بسم الله الرحمن الرحیم

- ۱. عدم تواتر و وجود قرینه بر اینکه نام فرزند امام زمان (علیه السلام) احمد است و او حاکم می شود .

الف) تواتر لفظی

ب) تواتر معنوی

شرایط ناقلان خبر متواتر

۱. تعداد راویان در هر طبقه به میزانی باشد که توافق عمدی آن‌ها بر کذب، محال باشد؛ از این رو در متواتر، عدد خاصی را نمی‌توان معیّن کرد؛ زیرا اعتقاد بر درستی و عدم توافق بر کذب نزد افراد، نسبی است و کم‌ترین مرز آن، اطمینان بر عدم توافق بر کذب است. گر چه عدّه‌ای برای تواتر عددی را معیّن کرده‌اند، ولی با نقد دیگران مواجه شده است؛

۲. نسبت به خبری که نقل می‌کنند اطمینان داشته باشند نه اینکه از روی شک آن را خبر دهند؛

۳. آنچه نقل می‌کنند را خودشان دیده یا شنیده باشند نه اینکه با حدس و استدلال به آن نتیجه رسیده باشند؛

۴. شرایط تواتر در همه طبقات راویان حدیث حاصل باشد، لذا اگر شرایط تا طبقه خاصی حاصل شد، تواتر هم تا همان طبقه قابل اثبات است.

الف ⟸ ب ⟸ ج ⟸ معصوم

پ ⟸ ر ⟸ ص ⟸ معصوم

ط ⟸ ق ⟸ ن ⟸ معصوم

به همین صورت تا حداقل ده سند

اگر هزار سند داشته باشیم اما یک نفر در هر سند تکرار شود باز خبر را واحد می دانیم .

اگر عین لفظ در گزارش ها متعدد با اسناد مختلف تکرار شود می شود تواتر لفظی و اگر بتوان قدر مشترک را به دست آورد آن قدر متیقن تواتر معنوی را اثبات می کند .

نمونه تواتر لفظی:

*.من کنت مولاه فهذا علی مولاه

نمونه ای از تواتر معنوی

علی علیه السلام در جنگ احد حضور داشت .

علی علیه السلام در جنگ خیبر حضور داشت .

علی علیه السلام در جنگ خندق حضور داشت .

از این گزارش ها شجاعت حضرت علی علیه السلام به دست می آید.

اما گزارش وصیت شیخ طوسی :

الف) گزارش شیخ طوسی معروف به حدیث وصیت با این عبارت، قطعا تواتر لفظی ندارد، چرا که در هیچ گزارشی این الفاظ و عبارت تکرار نگردیده است و گفتیم که جریان احمد نیز به این سخن اعتراف دارند.

ب) پایه‌های متن حدیث وصیت بر این عبارت‌ها استوار است و باید تک تک این عبارت‌ها دارای تواتر معنوی باشند:

۱.پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وصیت نموده است .

۲.در این وصیت به نام دوازده امام اشاره کرده است.

۳.در این روایت از عبارت مهدیون استفاده شده است .

٤.امام مهدی علیه السلام دارای فرزند هستند؛

۵.فرزندان ایشان امام و خلیفه می‌گردند؛

٦. نام فرزند ایشان که به خلافت می‌رسد احمد است.

بیان شیخ طوسی

- **دليل آخر و مما يدل على إمامة صاحبِ الزمانِ ابنِ الحسنِ بنِ عليِّ بنِ محمدِ بنِ الرِّضَا ع و صحةِ غيبتِهِ ما رواه الطائفتان المختلفتان و الفرقتان المتباينتان العامةُ و الإماميةُ و أن الأئمة ع بعد النبي ص اثنَا عَشَر لا يزيدون و لا ينقصون و إذا ثبت ذلك فكل من قال بذلك قطع على الأئمة الاثني عشر الذين نذهب إلى إمامتهم و على وجود ابن الحسن ع و صحة غيبته لأن من خالفهم في شيء من ذلك لا يقصر الإمامة على هذا العدد بل يجوز الزيادة عليها و إذا ثبت بالأخبار التي نذكرها هذا العدد المخصوص ثبت ما أردناه**
- **قلنا أما الذي يدل على صحتها فإن الشيعة الإمامية يروونها على وجه التواتر خلفا عن سلف ...**
- **و أما الدليل على أن المراد بالأخبار و المعني بها أئمتنا ع فهو أنه إذا ثبت بهذه الأخبار أن الإمامة محصورة في الاثني عشر إماما و أنهم لا يزيدون و لا ينقصون ثبت ما ذهبنا إليه**
- **طوسی ،الغیبة ، ص ١٢٧**

تعارض با مبانی شیعه

نکته دیگر در نقد این روایت این است که محتوای آن با مبانی و برخی روایات شیعه در تعارض می‌باشد. دو مورد از این مبانی:

الف) اصل رجعت در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بنا بر برخی از روایات نیز رجعت امام حسین علیه السلام در دوران ظهور و سپس امامت ایشان بعد از حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. در حالی‌که پایه استدلال احمد بصری بر آن است که رجعت در دوران حضرت مهدی علیه السلام رخ نداده و بعد از حکومت مهدیون خواهد بود.[1]

ب) انحصار عدد اوصیای بعد از حضرت محمد علیه السلام در دوازده وصی می‌باشد. و توجه شود که بحث در دوازده امام نیست بلکه حضرت محمد صلی الله علیه وآله تعداد اوصیا و خلفای خود را دوازده عدد ذکر نموده‌اند

---

١. ر.ک: «نقد دیدگاه احمد حسن در مورد رجعت»، مقاله نصرت الله آیتی، فصلنامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود **٣٠.**

و مانند احمد بصری نمی‌تواند چنین ادعای باطلی را مطرح کند که امامان دوازده عدد هستند، اما اوصیا بیست و چهار نفرند.[۲]

بیان عالمان امامیه در مورد حکومت فرزندان حضرت مهدی علیه السلام

با توجه به این اشکالات متعدد و اساسی به گزارش شیخ طوسی، عالمان و محدثان خبیری مانند شیخ مفید، نباطی بیاضی، شیخ حر عاملی و علامه مجلسی محتوای این روایت در حکومت فرزندان امام مهدی علیه السلام را غیر معتبر دانسته و آن را از گزارش‌های شاذ و غیر قابل قبول به شمار آورده اند.

شیخ مفید می‌فرماید:

وَ لَيْسَ بَعْدَ دَوْلَةِ الْقَائِمِ علیه السلام لِأَحَدٍ دَوْلَةٌ إِلَّا مَا جَاءَتْ بِهِ الرِّوَايَةُ مِنْ قِيَامِ وُلْدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ذَلِكَ وَ لَمْ تَرِدْ بِهِ عَلَى الْقَطْعِ وَ الثَّبَاتِ؛[۴] و پس از دولت آن بزرگوار برای هیچ کس دولت و سلطنتی در زمین نخواهد بود جز آنچه در روایات آمده که اگر خدا بخواهد فرزندان آن حضرت پس از او سلطنت کنند، و روایاتی قطعی و متقن در این باره نرسیده است.

صاحب کتاب صراط المستقیم نیز می‌گوید:

«الرواية بالاثنی عشر بعد الاثنی عشر شاذة؛[۵] روایات وارد شده در حکومت دوازده مهدی بعد از دوازده امام شاذ و غیر معتبر است.»

شیخ حر نیز موافق با این سخن در کتاب ایقاظ می‌گوید:

اما راجع به حدیثهائی که می‌فرماید بعد از مهدی دوازده نفر امام دیگرند، روایاتی که در این زمینه وارد شده دلالت قطعی ندارد. در روایات بسیاری هم وارد شده که ائمه دوازده نفرند و دولتشان تا قیامت ادامه دارد، و دوازدهمین آخر اوصیا، و امامها، و جانشینان است، و ائمه تا قیامت از اولاد حسینند و اگر بر ما لازم بود که به امامت دوازده نفر بعد از آنها (که در روایات دیگری وارد شده)

---

۲. «بررسی قرائن روایی انحصار ائمه علیهم السلام در عدد دوازده»، محمد شهبازیان، فصلنامه علمی ـــ ترویجی پژوهش‌های مهدوی ش ۱ ۲. « بررسی روایات جانشینی حضرت رسول صلی الله علیه وآله و بازتبیین انحصار آن در عدد دوازده»، مقاله قنبر علی آل بویه،فصلنامه علمی ـ پژوهشی *مشرق موعود*، ش ۳ ۷.

۳. *بحار الأنوار*، ج۵۳، ص ۱۴۸. «هذه الأخبار مخالفة للمشهور».

۴. *الارشاد*، ج ۲، ص ۳۸۶.

۵. *الصراط المستقیم*، ج ۲، ص ۱۵۲.

اقرار کنیم باید حدیثهای متواتری هم در این باره باشد که در برابر حدیثهای معارض بتواند مقاومت کند و ملاحظه جمع بین آنها بشود.[در حالی‌که هیچ روایت متواتری در این زمینه وجود ندارد.][٦]

و در کتاب دیگر خود چنین متذکر می‌شود:

حدیث دوازده مهدی بعد از دوازده امام علیه السلام، بدان که این مضمون در برخی روایات وارد شده است و این روایات خالی از اشکال نیست و علما و بزرگان شیعه بدان تمسک نکرده‌اند و برای آن اعتبار قائل نبوده‌اند جز تعدادی از آنها [که از علمای معاصر می‌باشند] و امکان اعتقاد به این روایات برای ما وجود ندارد، چرا که تعداد آن‌ها به گونه‌ای نیست که برای ما یقین بیاورد، بلکه حتی جایز دانستن آن در حد یک احتمال و امکان نیز محل اشکال است و در آینده به یاری خدا روایت‌های معارض آن را ذکر خواهیم کرد. [مراد ایشان روایات رجعت امام حسین و دیگر ائمه می‌باشد.][٧]

دروغی نسبت به سید محمد صدر

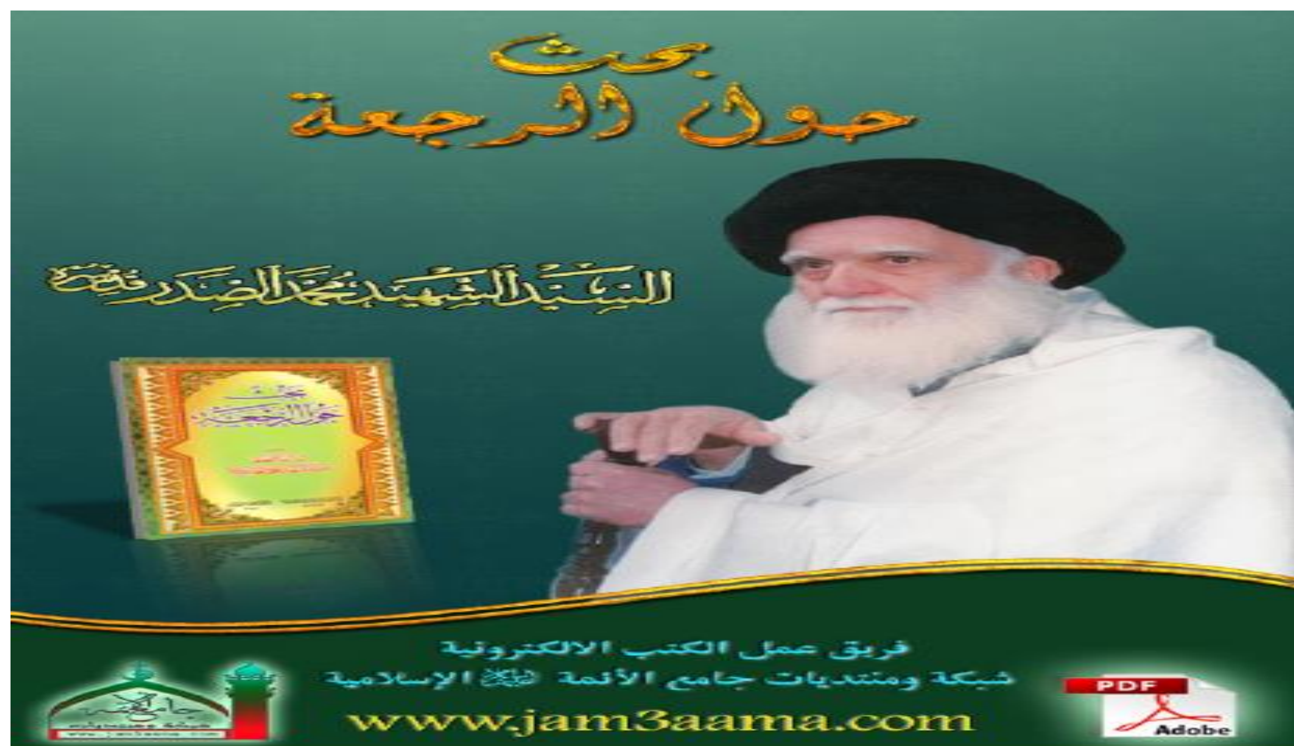
واما تعليقنا على كلام الطبرسـى،"فهو ان ما ذكره من ان ما روى من قيام ولد المهدى بعده،لم يرد على القطع و اليقين"، امر صحيح؛ لان الروايات الدالة على حكم الاولياء الصالحين ليست المتواترة؛

اما بعد :

---

٦. «و أما أحاديث الاثنى عشر فلا يخفى انها غير موجبة للقطع أو اليقين لندورها و قلتها و كثرة معارضتها كما أشرنا الى بعضه، و قد تواترت الاحاديث بان الائمة اثنى عشر، و انّ دولتهم ممدودة الى يوم القيامة، و انّ الثانى عشر خاتم الأوصياء و الائمة و الخلف؛ و ان الائمة من ولد الحسين الى يوم القيامة، و نحو ذلك من العبارات، فلو كان تجب علينا الاقرار بامامة اثنى عشر بعدهم لوصل إلينا نصوص متواترة تقاوم تلك النصوص، لينظر فى الجمع بينهما»؛ (*الايقاظ*ص ١ ٠ ٤).

٧ .«فائدة ٣٨: حديث الاثنى عشـر بعد الاثنى عشـر : اعلم أنَّه قد ورد هذا المضمون فى بعض الأخبار، وهو لا يخلو من غرابة وإشكال، ولم يتعرَّض له أصحابنا إلَّا النادر منهم علىٰ ما يحضرنى الآن، ولا يمكن اعتقاده جزماً قطعاً؛ لأنَّ ما ورد بذلك لم يصل إلىٰ حدّ اليقين، بل تجويزه احتمالاً علىٰ وجه الإمكان مشكل؛ لما يأتى إن شاء الله تعالىٰ من كثرة معارضه»؛ (*الفوائد الطوسية*ص ١ ٥ ١).



المجتمع الإسلامي، وليس الآن كلامنا حول الخلافة بعد النبي ﷺ بل بعد المهدي عليه السلام وفيهما احتمالان أو أطروحتان.

الأطروحة الأولى: انه يتولى بعده أولاده الذين يكونون بدورهم أولياء صالحين، قد رباهم المهدي عليه السلام بنفسه ونص على خلافتهم أمام المجتمع، كما قربنا ذلك في (تاريخ ما بعد الظهور).

الأطروحة الثانية: أن يتولى الأمر بعده آباؤه الأئمة المعصومون عليهم السلام ورجوعهم إلى الحياة بعد الموت ليحكموا العالم بعد المهدي عليه السلام . إما جميعهم أو بعضهم وإما بشكل مشوش من حيث ترتيبهم السابق، كما تقتضي الحكمة يومئذ . وإما بشكل مقلوب. يعني يبدأ من الأخير وهو الإمام الحسن

العسكري عليه السلام وبعده أبوه الإمام الهادي عليه السلام وهكذا.

وليس لنا أن نجزم بصحة الأطروحة الأولى دينياً. وإنما ينشأ ذلك من زاوية مادية لاستبعاد أن يعود الإنسان للحياة بعد موته.

والآن فان مقتضى القاعدة - في مذهبنا على الأقل- هو صحة الأطروحة الثانية بالخصوص لعدة وجوه نذكر منها ما يلي:

الوجه الأول: موافقتها للقران الكريم. على ما سوف يأتي من تفسير (دابة الأرض) بأمير المؤمنين عليه السلام إذن ينتج أن عودة الأئمة عليهم السلام ورجعتهم ثابتة إجمالاً لان أمير المؤمنين منهم عليهم السلام. إذ يكون لنا أن نقول: إنهم يرجعون ولو برجوعه عليه السلام.

الوجه الثاني: إنها روايات مستفيضة عندنا فان اغلب روايات الرجعة تدل على رجعتهم عليهم السلام. وأما ذلك القسم الذي يتعرض لرجعة غيرهم فهو الأقل كما هو واضح لمن راجعها وليس بالإمكان الآن استعراضها.

ادعای امامت توسط احمد بصری

وهو الزيتونة لا شرقية ولا غربية، يكاد زيتها يضيء، فهو من المهديين، ويحسب من الأئمة عليهم السلام تارة أخرى، وقد وردت روايات عنهم عليهم السلام تعد الأئمة اثني عشر من ولد علي وفاطمة، أي إنهم عليهم السلام عدّوا المهدي الأول من الأئمة عليهم السلام في كلامهم عليهم السلام، وإليك بعض الروايات:

قال أبو جعفر عليه السلام: (**الاثنا عشر الإمام من آل محمد عليهم السلام كلهم محدث من رسول الله صلى الله عليه وآله ومن ولد علي ورسول الله وعلي عليه السلام هما الوالدان**) [2].

وعن أبي جعفر عليه السلام، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، قال: (**دخلت على فاطمة عليها السلام وبين يديها لوح فيه أسماء الأوصياء من ولدها، فعددت اثني عشر آخرهم القائم عليه السلام، ثلاثة منهم محمد وثلاثة منهم علي**) [3].

وأنصار الإمام المهدي عليه السلام، وهم أيضاً (خير أمة أخرجت للناس)، بل و (خير أئمة)؛ لأنهم قادة، قال تعالى: ﴿**كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ**﴾ [1].

قال تعالى: ﴿**حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ**﴾ [2]، والصلاة هي (الولاية) [3]، أي حافظوا على الولاية، والصلاة الوسطى أي الولاية بين الأئمة والمهديين، أي ولاية المهدي الأول في بداية ظهور الإمام المهدي عليه السلام؛ لأن المهدي الأول من المهديين، وأيضاً يعد من الأئمة، كما في الروايات عنهم عليهم السلام التي تعد الأئمة من ولد علي وفاطمة عليهما السلام اثني عشر.

عن أبي جعفر عليه السلام، قَالَ: (**قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنِّي واثْنَيْ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي وَأَنْتَ يَا عَلِيُّ زِرُّ**

١١. القائم أحمد .. الثالث عشر من الأئمة الأربعة والعشرين:

بملاحظة النصوص المتقدمة وربطها ببعضها نعرف أنّ (أحمد) هو الشيخ والإمام الثالث عشر، وهو المهدي الأول من المهديين الاثني عشر، وأول مقرب إلى أبيه وسيده الذي أقامه، أي الإمام المهدي محمد بن الحسن (عليه السلام) وأول مؤمن به. ونضيف الآن: